

## چماق تجارت بر سر تولید ملی و کارگران ایران

چند خیز برای کودتاهای درنده، سرانجام تبدیل به کودتای خزنده از درون حکومت شد و انقلاب ۵۷ را رساند به لحظه ای که در برابر ماست.

### وظایف ما در دفاع از تشکل های کارگری و حقوق کارگران

نبرد بر سر محتوای قانون کار، دفاع از تشکل های کارگری و افشای کاربدستان وزارت کار و عوامل آنها در انجمن های اسلامی کارخانه ها یکی از اصلی ترین صحنه های مبارزه سالهای اول تاسیس جمهوری اسلامی است. حزب توده ایران از یکسو با چپ روهائی هوس حکومت شورائی- کارگری کرده بودند و انقلاب ۵۷ را با انقلاب اکتبر اشتباه گرفته بودند درگیر بحث و توضیح بود، و از سوی دیگر با امثال احمد توکلی ها و آنها که بنام نمایندگان مردم به مجلس رفته بودند اما در تقابل با کسانی قرار گرفته بودند که سهم اصلی را در پیروزی انقلاب داشتند. یعنی کارگران ایران.

این نبرد، پس از ۳۰ سال همچنان ادامه دارد، با دو تفاوت: مخالفان متشکل بودن و متشکل شدن کارگران در قدرت و در برتری حکومتی قرار گرفته اند و گام های بسیار جلو آمده اند، و کارگران برخلاف سالهای اول تاسیس جمهوری اسلامی به اهمیت و ضرورت متشکل شدن در سندیکاها پی برده اند. از آنجا که سرمایه داری تجاری حاکم است و دولت ها متکی به فروش نفت و واردات همه جانبه، تولید ملی به نابودی کشانده شده است و چون مملکت و حکومت به تولید متکی نیست بلکه به تجارت و پول نفت متکی است، دست خود را برای سرکوب جنبش های پراکنده کارگری باز می بیند. بنابراین، تا مرحله ای که در آن هستیم، یعنی تا زمانی که سرمایه داری تجاری حاکم است و پول نفت به جیب و سفره آنها لوله کشی شده و دولت ها به تولید داخلی اهمیت نمی دهند، تقابل با جنبش کارگری آسان تر است و آنگاه که این توازن دگرگون شود و نقش و اهمیت کارگران در اقتصاد کشور نقش درجه نخست بشود، این نبرد، در همین مرحله ایست که شاهد آن هستیم. تمام کوشش حزب توده ایران در سالهای اول پیروزی انقلاب این بود که سرمایه داری تجاری را مطابق قانون اساسی در انقیاد دولت نگهدارد، پول نفت صرف سرمایه گذاری های دراز مدت صنعتی و کشاورزی در کشور شود و تشکل های کارگری نه تنها تاسیس شوند، بلکه نیاز دولت ها به تولید، چنان توازن اقتصادی را در کشور فراهم کند که پذیرش تشکل های کارگری و نقش آنها در اقتصاد کشور برای دولت ها اجتناب ناپذیر شود. بخش اندکی از این تلاش را در تحلیل هفته ۴۲ مرداد ۱۳۶۱ می خوانید. این شماره از تحلیل هفته خود گویا تر از هر تفسیری است که ما درباره آن نبرد تنگاتنگی بکنیم که در آن سالهای دور و قبل از یورش به حزب توده ایران در جریان بود و سرانجام نیز سر حزب توده ایران را بریدند و کارگران ایران را از بزرگترین چراغ راهنما و بزرگترین مدافع آنها محروم ساختند و کار کشاندند به آنجا که امروز دیگر با صراحت کامل لغو قانون کار در دستور است و شلیک به دهان کارگران می کنند.

در همین شماره تحلیل هفته، بمناسبت سالروز ۲۸ مرداد، شما با نگاه تاریخی رهبری حزب توده ایران با این فاجعه، متناسب با سالهای اول پیروزی انقلاب آشنا می شوید و یا دوباره آشنا می شوید. یعنی تجربه ۲۸ مرداد، در خدمت دفاع از انقلاب و جلوگیری از تکرار کودتاها. یعنی همان خط و مشی و روشی که راه توده پیوسته در ۱۷ سال گذشته در باره کودتای ۲۸ مرداد داشته و به جای غرق شدن در این که مصدق غفلت کرده یا حزب توده

ایران، پرداختیم به شرایط روز و خطراتی که یادآور ۲۸ مرداد است. چه از نوع درنده آن - که دو کودتای طبس و نوزده نمونه های بارز آن بودند- و چه کودتاهای نفوذی و خرنده که در قلب حکومت رخته کردند و گام به گام کودتا علیه آرمان های انقلاب را پیش بردند. با این کودتای خرنده سلطنت را احیاء کردند و بزرگترین وابستگی اقتصادی و عوارض ویرانگر اجتماعی آن را بوجود آوردند. وحدت عظیم ملی را که باعث پیروزی انقلاب شد، به بزرگترین تفرقه ملی تبدیل کردند و در مجموع خود، این کودتای خرنده حکومتی، ایران و انقلاب آن را رسانده است به نقطه ای که امروز شاهد آن هستیم.

### با این مقدمه، تحلیل هفته ۲۴ مرداد ۶۱ را بخوانید:

فشار علیه تشکل های کارگری و حقوق حقه کارگران، به ویژه از جانب گردانندگان وزرات کار، هر روز گسترش بیشتری می یابد. در این هفته بخشنامه وزارت کار (17/5/61) منتشر شد، که نمونه دیگری است از تضييع حقوق کارگران، که مسلماً موجب نارضائی و بدبینی در محیط های کارگری شده و می شود. این بخشنامه روزهای تعطیل توافقی (مثل پنجشنبه ها، در ازای 44 ساعت کار در پنج روز بقیه هفته) را جزء مرخصی استحقاقی کارگران منظور می کند و بدین سان یک حق مسلم کارگری را نقض می نماید. این اقدام یکی از نشانه های تازه خصلت ضد کارگری سیاست وزارت کار است، که آگاهانه یا ناآگاهانه، به سوی ناراضی تراشی و عملاً به سوی ایجاد جو تشنج گرایش دارد.

به درستی می توان گفت که ما با یکی دیگر از سلسله اقدامات ضد کارگری، که از زمان تصدی آقای توکلی لحظه ای قطع نشده است، روبرو هستیم. در زمانی که توطئه های گوناگون علیه انقلاب در جریان است و کوشش دائمی در جهت تضعیف پایگاه ای مردمی انقلاب انجام می گیرد، هیچ اقدامی را از جانب وزارت کار نمی توان یافت که موجب رضایت کارگران شده باشد. این وضع در مورد طبقه ای که امام خمینی آنرا "شریان حیاتی انقلاب" خوانده است، بسی خطرناک و نگرانی آور است.

نه تنها سیاست ضد سندیکائی وزارت کار (حتی که در قانون اساسی نیز تصریح شده) همچنان ادامه دارد، بلکه فشار نسبت به شوراهای کارگری نیز روزافزون است. بیلان کار وزارت کار و امور اجتماعی در دوران وزارت آقای توکلی شامل انحلال صدها شور، و در نتیجه نارضائی فزاینده کارگران است. و این خود بخشی است از سیاست وزیر کار که "در جبهه دفاع از سرمایه داری" قرار دارد و با همه حربه های خود به میدان می آید" (رجوع کنید به "پرسش و پاسخ" رفیق کیانوری، نهم مرداد ماه 61).

تحلیل رویدادهای کارخانه ها نشان می دهد که هم اکنون فشار علیه شوراها از سه جانب وارد می شود، در حالی که کارگران نیز موضع خود را در دفاع از شوراهای اصیل کارگری دارند و عدم رضایت خود را از شوراهای عاطل یا تحمیلی نشان می دهند.

مخالفان شوراهای کارگری عبارتند از: گردانندگان وزارت کار، مدیران طرفدار اقتصاد لیبرالی و عناصر ضد انقلابی و بالاخره عناصر قشری و تکرو:

1 - شوراهایی که مدت قانونی آنان به اتمام می رسد، بجای آنکه امکان انتخابات مجدد بیابند، با حکم "غیر قانونی" بودن از جانب وزارت کار مواجه می شوند. برخی از کارخانه ها، که در هفته اخیر و هفته های اخیر، برای تجدید انتخابات، تقاضای ناظر از وزارت کار کرده اند، با این جواب روبرو شده اند، که چون هنوز قانون شوراها تدوین و تصویب نشده است، تجدید انتخابات قانونی نیست. تعجب انگیز نیست که وزارت کار می گوید: کارگران می توانند بر طبق قانون کار زمان "طاغوت"، "نماینده کارگر" انتخاب کنند. ولی نمی توانند طبق روح انقلاب به انتخاب شورا، که نهاد انقلابی جوشیده از مشارکت توده های کارگری و مورد تأیید امام و منطبق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، دست بزنند.

به جاست که در همین جا جمله ای از حجت الاسلام موسوی خوئینی ها را، نقل کنیم، تا برداشت تفاوت خط امام از برداشت "جریان مخالف" روشن تر گردد. وی می گوید: "اینکه وزارت کار را با این شکل که ساختند و این قوانینی که در زمان شاه وضع کردند، این برای حفظ حقوق کارگر بوده یا برای حفظ حقوق کارفرما بوده، من هیچ باورم نمی شود که برای حفظ حقوق کارگران بوده است."

مقایسه این موضع گیری با سیاست و موضع گیری وزارت کار کنونی حاکم است، بسیار آموزنده است.

سیاست وزارت کار تعجب انگیز نیست زیرا که در همان "خط" کارگر ستیزی و حمایت از سرمایه داری است. مدافعین سرمایه داری می کوشند با یک "نماینده کارگر"، که به تنهایی عمل می کند و آسانتر می تواند مرعوب یا تطمیع شود و یا زیر فشار قرار گیرد، سرو کار داشته باشند، تا با هیئت مدیره یک سندیکا یا شورای کارگری.

2- این مدیران و عناصر قشری و تک رو کارخانه ها و موسسات وابسته به وزارت صنایع و بنیاد مستضعفان از زمینه مساعدی که عدم تصویب قانون شوراها و عدم اجرای اصل 26 قانون اساسی و موضع ضد شورائی وزارت کار فراهم کرده است، سوء استفاده می کنند و فشار بر شوراها را افزایش دهند. در همین هفته ما شاهد ترفندهای حيله گرانه مدیران برخی از کارخانه ها بوده ایم، که کوشیده اند با به ماموریت فرستادن اعضاء شورا، عملاً آنرا منحل کنند.

3- خط قشری و مشکوک در درون برخی از "انجمن اسلامی" کارخانه ها و عوامل این خط در درون شوراها، عملاً به اهداف ضد شورائی و ضد کارگری، گاه ناآگاهانه و از روی نادانی یا به خاطر انحصار طلبی و خود محوربینی، یاری می رساند. در این هفته چند نمونه مشخص نشان می دهد، که زیر فشار "انجمن های اسلامی" و مدیریت و از طریق صحنه سازی استعفاهای مشکوک و فشار و شانتاژ بر اعضاء انقلابی و متعهد شورا، عملاً، چندین شورای کارگری به دست "دوستان نادان" و ناراضی تراش منحل گردیده است.

برای تکمیل این تحلیل از وضع کنون شوراها، باید اضافه کرد که از سوی دیگر و با انگیزه ها و اهداف دیگری، توده کارگر نیز نسبت به امر شوراها حساسیت فزاینده ای از خود نشان می دهد و در موارد ضعف یا کم کاری یا مسخ شورا، با این وضع سر سازگاری نشان نمی دهد.

واقعیت این است که هیئت های مدیره بسیاری از شوراها، به علت شرایط ویژه ای که وزارت کار فراهم ساخته و به علت دشواری های عینی ناشی از ادامه جنگ و به علت کمی تجربه و به علت ترس از شانتاژ و برچسب زنی، قادر نشده اند حمایت توده کارگر را جلب کنند. البته کارگران حساب اهداف انقلاب و ماهیت تشکل های کارگری را از حساب اعضاء هیئت های مدیره این قبیل شوراها و انحصار طلبی و قشری گری و ندانم کاری آنها جدا می کنند و نظر مثبتی نسبت به "شورا" به عنوان یک تشکل دارند. ولی در اثر فشارهایی که بر شوراها وارد می شود، بر اثر عدم توانائی انجام کار مثبت و بر اثر مارک زنی و شانتاژ، که شیوه رایج مخالفان خط امام است، متأسفانه بسیاری از عناصر صدیق خط امامی، چون نمی توانند خط ضد کارگری وزارت کار و مامشات برخی مقامات را قبول یا توجیه کنند و چون نمی توانند پاسخگوی خواست های کارگران، بر اثر همان شرایط باشند، استعفا می دهند. همچنین دیده می شود که به هنگام اتمام دوره قانونی شوراهایی از همان قبیل، به همان علل یاد شده، توده کارگر از ادامه فعالیت هیئت مدیره پشتیبانی نمی کند.

در این شرایط هنوز کارگران از سخنان آقای نخست وزیر خطاب به کارگران فارس مبنی بر قانونی بودن شوراها یاد می کنند و بر آن تکیه می کنند، تا "خط توکلی" یا خطی که از خصلت مردمی زحمت کش بروز انقلاب بر می خیزد، اشتباه نشود و آن خط نتواند خود را به جای تمامی سیاست و مشی حاکمیت خط امامی جا بزند.

کارگران در این هفته نیز، با مقایسه اظهارات متفاوت در این زمینه، بحث های وسیعی را انجام داده اند. وظیفه همه انقلابیون است که در گرماگرم رویارویی "خط"ها، برای غلبه بر خط طرفداری از سرمایه داری، که محور کنونی فعالیت وزارت کار است، و برای تقویت تشکل شورائی و توضیح مواضع در این زمینه، به کوشند.

رفقای توده ای موظفند که در کنار رفقای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و بیان گران صدیق و پیگیر خط امام، که متوجه خطرات و عواقب سیاست های وزارت کار می شوند، در زمینه های زیرین فعالیت کنند:

۱- جلب توجه دقیق همه کارگران و توده مردم به این خط ها و به سیاست وزارت کار و توضیح پیرامون آن به منظور دفاع از منافع حیاتی کارگران زحمتکش و دفاع از نیاز مبرم انقلاب و یکی از مهم ترین اهداف آن:

۲- افشاء سیاست های حاکم بر وزارت کار و جلوگیری از اجرای روش مخالف با تشکل های کارگری به منظور تقویت شوراهای موجود و حفظ شوراهایی که دوره "قانونی" آنها به اتمام رسیده است؛ کار تبلیغی در میان کارگران و اعضاء هیئت مدیره شوراهای به استناد اظهارات آقای نخست وزیر، تشکیل شوراهای موقت یا هیئت نمایندگی، در صورتی که مدت "قانونی" شورائی که به اتمام می رسد، مورد پشتیبانی کارگران نباشد؛

۳- توجه دقیق به "پرسش و پاسخ های" رفیق کیانوری، که در آن مسائل کارگری مطرح شده، به ویژه اسفند 60 و مرداد 61 و همه مطالب و مقالاتی که در زمینه کار سندیکائی و شورائی نوشته شده و در آنها خصلت های ضد سندیکائی و ضد شورائی اقدامات وزارت کار تشریح شده است؛

۴- توجه زیادتیر به حقوق زحمتکشان، که در قانون اساسی، به ویژه اصل 26 و اصل 104 مندرج است. و توضیح آنها برای کارگران؛

۵- مقابله با جو تشنج و ناراضی تراشی و مانع شدن از تاثیر اقدامات نادرست و تشبثاتی که آگاهانه یا از روی نادانی بعمل می آید و کارگران را ناراضی می کند و موجب اخلال در کار و دستاویزی برای لیبرال ها و خرابکاران می گردد. باید مانند گذشته و با هشیارى دائمی از هر گونه اعتصاب و کم کاری، که تنها زمینه ساز فعالیت های ضد انقلاب است، جلوگیری گردد و کوشید تا از راه مذاکره و تماس با مقامات و طرق ابتکاری ویژه و مناسب با وضع کنونی و تکیه بر عناصر مسئول و انقلابی و خط امامی، خواست های کارگران و زحمتکشان را مطرح و حل کرد. کوشش و تاکیدات دائمی ما در این زمینه نه فقط مستقیماً به انقلاب خدمت می کند و از ضد انقلاب امکان توطئه را سلب می کند، بلکه سیمای واقعی ناراضی کننده و تشنج زا و اعتصاب آفرین را فاش خواهد ساخت.

صحنه نبرد "خط"ها، در آنجا که به توده های وسیع مردم زحمتکش مربوط می شود یکی از حیاتی ترین صحنه هاست، که سرنوشت و آینده انقلاب را تعیین می کند. برای پیروان واقعی خط امام و همه مسلمانان انقلابی باید توضیح داد که ایستادگی در برابر "تدابیر" کارگر ستیز و ناراضی تراش وزارت کار جزء مهمی از ایستادگی برای دفاع از انقلاب و اهداف آن، تامین محیط آرام و خلاق انقلابی، برای جلب پشتیبانی توده های مردم و حفظ آنها در صحنه نبرد است.

## درس های عبرت انگیز "28 مرداد" را برای همگان توضیح دهیم

هفته ای که این تحلیل به دست رفقا می رسد و مورد بحث قرار می گیرد و مطالب آن با دوستان و آشنایان در میان گذاشته می شود، هفته ایست که سال روز کودتای شوم امپریالیسم و شاه در 28 مرداد سال 32 در آن قرار دارد. نه تنها به خاطر بیان حقایق تاریخی و نگاهی به گذشته ای متعلق به نزدیک سی سال پیش، بلکه به ویژه به خاطر دفاع از انقلاب بزرگ و دستاوردهای امروزین نهضت پیرومند مردم ما و حفظ جمهوری اسلامی ایران از دستبرد نقشه ها و توطئه ها و زمینه سازی های نظیر 28 مرداد است که ما توصیه می کنیم بار دیگر رفقا به این صفحه از تاریخ توجه کنند، مقالات و بررسی هائی را که در این باره بعمل آمده بخوانند، کتاب "تجربه 28 مرداد"، از انتشارات حزب در سال 59 را بار دیگر مرور کنند و به همه بدهند، تا آنها نیز مطالعه کنند. اهمیت این نگاه دوباره بر تاریخ گذشته نزدیک ما، اهمیتی شگرف برای مبارزه موثر فعلی ما دارد.

امروز نیز، مانند همان سال ها، امپریالیسم امریکا دشمن اصلی ما و توطئه گر اصلی است. امریکا اینک با جمهوری اسلامی ایران و انقلابی که با شرکت توده های میلیونی مردم و به رهبری امام خمینی پیروز شده و با جهانی که در آن دیگر امپریالیسم قدر قدرت نیست و نمی تواند اراده جهانخوارانه خود را بر طبق امیال غارتگرانه اش تحمیل کند، روبروست. ولی اینهمه ما را به خواب خوش و بی خیالی فرو نخواهد برد، زیرا که دشمن بسی مکار و بسیار نیرومند است، و به قول امام تا پنجاه سال دیگر هم علیه انقلاب ما توطئه خواهد کرد.

در آن سال های گذشته، امریکا و دست نشانندگان داخلی اش برای سرکوب نهضت آزادی بخش ما دست به تدارک توطئه های متعدد زدند، از راه های سیاسی و اقتصادی و روانی و تبلیغی مختلف عمل کردند، تا زمینه را آماده سازند، و وقتی آماده ساختند، دست به عمل واپسین زدند و ربع قرن رژیم منحوس پهلوی فراری را بر مردم و میهن ما تحمیل کردند. به تکرار این تدارکات. البته در سطح کنونی ایرانی و بین المللی آن، و به مشابهات حیرت انگیز بین مقدمه چینی های آن زمان و بسیاری از رویدادهای کنونی است، که باید توجه کرد. اگر درست است که ما دیگر نخواهیم گذاشت که 28 مرداد تکرار گردد، باید نگذاریم که تدارکات مشابه آن پا به گیرد و زمینه چینی های نظیر آن عملی شود.

آن زمان و هم اکنون، تشخیص واقعی دوست و دشمن، قاطعیت در مقابله با توطئه های دشمن و شناخت چهره های متعدد این توطئه ها، اتحاد همه نیروهای استقلال دوست و آزادی طلب، ایجاد عملی جبهه ای از همه نیروهای ضد امپریالیست و مردمی، مسئله حاد و حیاتی بوده و هست. آن زمان امپریالیسم پیروز شد. امروز مردم ما، انقلاب ما باید پیروز شوند و از این پیروزی پاسداری کنند. منسی کردن دشمن اصلی، کاری که آن روزها رواج بسیار داشت، یورش تبلیغی توده ستیزی، که آن روزها جو سراسر کشور را در بر گرفته بود، حمله روانی بی سابقه شوروی ستیزی، که تمام صفحات روزنامه های آن روزها گواه است، مخالفت با ایجاد هر عملی که به سود توده محروم تمام شود، تحسین و تمجید از امریکا، که گویا خیر ما را می خواهد و ضامن استقلال و تمامیت ارضی ماست و می توان به بهای سرکوب توده ای ها و ایجاد هیستری ضد شوروی، نظر مثبت و موافق او را جلب کرد و باید با او به شکلی سازش کرد. همه اینها امروز نیز به شکلی دیگر، ولی به نحوی حیاتی و با محتوی قابل مقایسه ای مسئله روز ماست. مسئله سرنوشت انقلاب ماست.

کودتای خونین و ننگین 28 مرداد در شرایط تفرقه نیروها و فقدان جبهه متحدی از تمام نیروهایی که با امپریالیسم و بازگشت شاه مخالف بودند، به موفقیت دست یافت. حربه اساسی در آن دوران هم، "خطر کمونیسم" و شانناژ و ایجاد "رعب از توده ای ها" بود. آیا امروز این حربه به موقع و هشیارانه از دست دشمن گرفته خواهد شد؟

اگر درس های عبرت انگیز **28** مرداد و تجربه گرانبهای تاریخی آنرا بیاموزیم، مسلماً امریکا و عمالش، ضد انقلاب داخلی و خارجی، تمام کاخ نشینان دست نشانده آرزوی شکست انقلاب و برپا کردن **28** مرداد دیگری را به گور خواند برد. انقلاب ما و مردم ما کاملاً توان آن را دارند، که چنین کنند.

راه توده ۲۰۴ ۰۱،۱۲،۲۰۰۸